

مقدمه: بررسی اجمالی ارزیابی برای تدریس

دن داگلاس

دانشگاه دولتی آیووا، آمریکا

استفاده از ارزیابی کلاسی به منظور پیشبرد آموزش و یادگیری، مساله بسیار مهمی در فعالیت های آموزش زبان است. فعالیت های ارزیابی معنادار به زبان آموزان کمک می کند تا کیفیت کار آکادمیک را دریابند و مکالماتی را طراحی کنند تا بتوانند به طور مستقل در بازخورد نیز دخیل باشند. این مقدمه، ابعادی را در ارزیابی به منظور تدریس مورد بحث قرار می دهد؛ همچنین، رویکردهای متفاوتی که بسیاری از آن ها الزاما دربرگیرنده آزمون نیستند، مورد بحث قرار می گیرند. مقاله حاضر همچنین سواد ارزیابی و عناصر دانش و فعالیت های ارزیابی را مورد بحث قرار می دهد که معلمان زبان باید از آن ها آگاه باشند تا بتوانند از آن ها در برنامه ریزی های کلاسی شان استفاده کنند. در نهایت، پنج مقاله در حوزه مسائل خاص، معرفی می شوند.

ارزیابی برای یادگیری در آموزش زبان

آتونی گرین

دانشگاه بدفور دسایر، انگلستان

مقاله حاضر به توصیف علاقه روزافزون درباره رویکردهای ارزیابی برای یادگیری (AfL) در آموزش زبان می پردازد. در این مقاله، پس از توضیح واژه، به بیان ریشه های AfL در پیشبرد آموزش عمومی پرداخته می شود و سپس شواهدی بر آثار آن در نتایج یادگیری بیان می شود. همچنین، مقاله حاضر تعدادی از چالش های موجود در تحقیق، به کار گیری و ارزیابی AfL در محیط های آموزش و یادگیری زبان را بیان داشته و چگونگی تاثیر آتی آن در زمینه آموزش زبان را مورد بحث قرار می دهد.

فهم ارزیابی بعنوان یادگیری در کلاس مهارت نوشتار: مورد پوتفولیو

ریکی لم

دانشگاه بیتست، هنگ کنگ

مقاله حاضر، بر توصیف علاقه روز افزون بر ارزیابی در یادگیری (AfL) در رویکردهای آموزش زبان می پردازد. بدین صورت که در ابتدا، این واژه توضیح داده می شود و سپس منشا آن در پیشرفت های آموزش عمومی مورد بررسی قرار داده می شود و سپس شواهدی بر آثار آن در نتایج یادگیری، مد نظر قرار داده می شود. این مقاله همچنین بعضی از چالش های موجود در تحقیق، به کار گیری و ارزیابی ابتکارات AfL در زمینه آموزش و یادگیری زبان را بیان می دارد و تاثیر احتمالی آن را در زمینه مطالعاتی ما در آینده مورد بررسی قرار می دهد. در پاسخ به اصلاحات کلی ارزیابی، این مقوله در یادگیری در زمینه های مختلف آموزشی، به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد. ولی، استفاده از ارزیابی به عنوان یادگیری (AaL) در

یادگیری زبان به طور عموم و در نوشتار زبان دوم به طور اخص، از محبوبیت کمتری برخوردار است. بدین سبب، این مقاله در نظر دارد تا ارتباط Aal با AFL را توصیف کند، ارزشهای آموزشی آن را در کلاس های نوشتار زبان دوم، مورد بحث قرار دهد و سپس پیشنهادهای را ارائه دهد تا AaL در سیاست ها و برنامه درسی موجود، اعمال شود. این مقاله، سه نتیجه سازنده دارد. در ابتدا، به صاحب نظران، توصیفی صریح از AaL ارائه می دهد. سپس چشم انداز های جدیدی را بر تحقیق در این زمینه اضافه می کند که AaL به طور نظری، صحیح و از لحاظ آموزشی در کلاس های نوشتار زبان دوم، قابل اعتماد است. و سوم اینکه AaL به عنوان یک مهارت مورد نیاز در قرن بیستم برای یادگیری مادام العمر، مد نظر قرار داده می شود. این مقاله به پنج بخش تقسیم شده است. بخش اول، منشا، ویژگی ها و اهداف AaL را در ارتباط با AFL بیان می دارد و همچنین اهداف موجود در مقاله را بیان می کند. بخش دوم، پایه های نظری AaL را با استفاده از تئوری های ارزیابی تکوینی و یادگیری خود جوش مورد بحث قرار می دهد و بر روی معناداری بازخورد درونی در یادگیری نوشتار، تاکید دارد. قسمت سوم، روند های مختلف ارزیابی نوشتاری را با ترسیم تغییرات الگویی از مقیاس بزرگ به ارزیابی های شخصی، به نمایش می گذارد. بخش چهارم، ارزیابی پورتفولیوی نوشتاری را به عنوان یک مورد، مورد مطالعه قرار داده و توصیف، کاربرد، ویژگی ها و مثال هایی از به کار گیری AaL را بیان می دارد. همچنین، به مواردی که در زمان استفاده از ارزیابی پورتفولیو به منظور ترویج AaL رخ می دهد، اشاره می کند. بخش نهایی مقاله، این امر را که آیا اهداف مقاله برآورده شده اند یا خیر، مورد بررسی دوباره قرار می دهد و پیشنهادهای را جهت پیشرفت آموزش و یادگیری نوشتار با استفاده از ارزیابی آموزشی (AoL)، AFL و Aal ارائه می دهد.

توسعه مهارت شنیداری زبان آموزان: تعامل با مداخله در ارزیابی گروهی پویا

محمد احمدی صفا

شیما بهشتی

دانشگاه بوعلی سینا، ایران

مطالعه حاضر با بهره گیری از نظریه اجتماعی- فرهنگی ویگوتسکی به بررسی اثرات روشهای ارزیابی گروهی پویای تعاملی و مداخله محور بر ارتقاء مهارت شنیداری زبان آموزان می پردازد. به این منظور ۹۰ زبان آموز سطح متوسط در قالب دو گروه گواه و یک گروه کنترل قرار گرفتند. به منظور اطمینان تقریبی از سطح همگون دانش و مهارت زبانی شرکت کنندگان از نسخه ی خلاصه شده آزمون تافل جنونیو استفاده شد و از بخش مهارت شنیداری آن به عنوان پیش آزمون و پس آزمون بهره گرفته شد. شرکت کنندگان هر گروه اصلی به پنج زیرگروه چهار نفره و دو زیر گروه پنج نفره تقسیم شدند. در طول ۱۳ جلسه آموزشی، در گروه گواه اول، محقق در در فعالیت کلاسی زیر گروه ها مشارکت نموده و از رویکردهای تعاملی برای مشارکت و کمک به افراد در انجام فعالیت های مربوط به درک مطلب شنیداری استفاده نمود. در گروه گواه دوم، محقق به هنگام مشارکت در فعالیت زیر گروه ها، بر مبنای مدل ساندویچ در رویکرد مداخله محور ارزیابی پویا، مجموعه از پیش تعیین شده ای از بازخوردهای ضمنی و صریح را به هنگام تعامل با افراد گروه ارائه مورد استفاده قرار داد. اما روند ارزیابی فعالیتها در گروه

کنترل، همان ارزیابی غیرپویای و سنتی بود و از بکارگیری روش‌های تعاملی و مداخله محور ارزیابی پویا اجتناب گردید. بر اساس نتایج حاصل از آزمونهای آماری از قبیل آزمون تی تک گروهی، تحلیل واریانس یکسویه و آزمون تعقیبی توکی، ارزیابی گروهی پویای تعاملی موثرترین روش در ارتقاء مهارت شنیداری زبان آموزان سطح متوسط شناخته شد. به علاوه، با وجود آنکه روش ارزیابی گروهی پویای مداخله محور موثرتر از روش غیرپویای مورد استفاده در گروه کنترل می نمود تفاوت معناداری بین این دو روش مشاهده نشد. یافته‌های مطالعه حاضر حاکی از برتری الگوهای تعاملی ارزیابی پویای گروهی بوده و بیانگر آنست که به طور کلی با فاصله گرفتن متخصصان امر آموزش زبان و معلمان از رویکردهای یکسویه و معلم محور به نفع رویکردهای تعاملی و مشارکتی، کارکردهای فعالیت‌های آموزشی مطلوبتر بوده و به طور خاص مهارت شنیداری زبان آموزان توسعه یافته و تقویت می گردد.

سواد ارزشیابی مهارت گفتاری: بررسی دانش و عملکرد معلمان زبان انگلیسی مبتدی و باتجربه

ضیاء تاج الدین

دانشگاه تربیت مدرس، ایران

مینو عالمی

هستی یاسایی

دانشگاه آزاد واحد تهران غرب، ایران

به رغم مطالعات بسیار در مورد سواد ارزشیابی، توجه کمی به سواد ارزشیابی مهارت گفتاری شده است. برای پر کردن این خلاء، این تحقیق به بررسی سواد ارزشیابی مهارت گفتاری معلمان زبان انگلیسی مبتدی و باتجربه پرداخته است. برای جمع-آوری اطلاعات در مورد سواد ارزشیابی معلمان در عمل، ابتدا بیست و شش معلم مبتدی و باتجربه سه سناریو را تکمیل کردند. سپس، جهت بررسی سواد ارزشیابی مهارت گفتاری آنان، مصاحبه نیمه ساختاریافته از آنان به عمل آمد. سناریوها و سوالات مصاحبه هر دو براساس چارچوب شش گانه زو و براون (۲۰۱۶) طراحی شد. هدف این تحقیق بررسی دانش پایه معلمان بود که جزء دوم چارچوب ذکر شده و شامل مقاصد ارزشیابی، محتوا/معیارها و روش‌ها بود. تحلیل محتوای سناریوهای کامل شده توسط معلمان مبتدی و باتجربه با روش خلاصه‌سازی منجر به کشف ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی تشخیصی به عنوان دانش آنها از اهداف ارزشیابی شد. علاوه بر این، این تحلیل شش معیار ارزشیابی معلمان را در عمل از جمله دقت، روانی، واژگان، تلفظ، ارتباط و محتوا را نشان داد. در مورد شیوه‌های ارزشیابی معلمان در عمل، یافته‌ها استفاده معلمان از نقش بازی، تک‌گویی، داستان‌تصویری و پرسش و پاسخ را نشان می‌دهد. تحلیل محتوای داده‌های مصاحبه با روش خلاصه‌سازی، به سه دسته اصلی اهداف ارزیابی منجر شد: ارزشیابی تکوینی، ارزشیابی تشخیصی و ارزشیابی پایانی. علاوه بر دانش اهداف ارزشیابی، داده‌های مصاحبه و نتایج سناریوها در مورد معیارهای ارزشیابی معلمان و باورهای آنان در مورد روش‌های مختلف ارزشیابی مانند نقش بازی، تک‌گویی و فعالیت‌های واقعی را ثابت کرد. گرچه تفاوت بین باورهای معلمان مبتدی و باتجربه متوسط بود، داده‌ها نشان می‌دهد که انسجام بیشتری در سواد ارزشیابی معلمان باتجربه در مهارت گفتاری وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که معلمان زبان انگلیسی بایستی از دانش پایه خود در مورد مهارت گفتاری، دانشی که محصول تجارب تدریس و تحصیلات گذشته آنان است، آگاه شوند.

طراحی آزمون دانش ارزشیابی زبان برای معلمان زبان انگلیسی با استفاده از رویکرد داده-محور

حسین فرهادی

دانشگاه یدی تبه، ترکیه

کبری توسلی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

داشتن دانش ارزشیابی زبان جهت بکارگیری ارزشیابی مناسب و تصمیم‌گیری درست درباره پیشرفت زبان‌آموزان یک امر ضروری برای معلمان زبان انگلیسی به شمار می‌رود. همچنین، در راستای ارتقا دستاوردهای حرفه‌ای معلمان لازم است از ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری دانش ارزشیابی زبان آنها استفاده کرد. بدین منظور، تحقیق حاضر برای طراحی آزمونی مناسب جهت اندازه‌گیری دانش ارزشیابی زبان معلمان در چند مرحله انجام شد. در ابتدا، نیازهای معلمان زبان انگلیسی از طریق یک پرسشنامه معتبر شناسایی شد (فرهادی و توسلی، در دست چاپ). در مرحله بعد، عناوین بدست آمده از طریق نیازسنجی معلمان با عناوین موجود در کتابهای ارزشیابی مطابقت داده شد تا همپوشانی محتوایی رعایت شود. سپس، براساس اطلاعات بدست آمده از نیازسنجی ۲۴۶ معلم زبان انگلیسی و محتوای کتابهای رایج ارزشیابی زبان، یک آزمون سناریو-محور دانش ارزشیابی زبان با سوالات بسته در شش قسمت طراحی شد که تمرکز هر قسمت بر روی یک حوزه اصلی ارزشیابی زبان بود. پس از اینکه آزمون طراحی شده توسط متخصصین بررسی شد، این آزمون مورد بازنگری قرار گرفت و به کمک ۵۰ معلم زبان انگلیسی پایلت گردید. پس از بازنگری مجدد براساس اطلاعات بدست آمده در مرحله پایلت، آزمون نهایی شده و در میان ۱۶۴ معلم زبان انگلیسی توزیع گردید. نتایج تجزیه تحلیل داده‌ها نشان داد که برخلاف ادعاهای معلمان در مرحله نیازسنجی، اکثر آنها از سطح پایینی از دانش ارزشیابی زبان برخوردار بودند و تمایل داشتند که سطح دانش ارزشیابی زبان خود را بالا ببرند. بعلاوه، روابط مابین دانش ارزشیابی زبان معلمان و جنسیت، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات، محیط آموزشی، و تجربه کاری آنها بررسی شد. نتایج بیشتر این مطالعه ارائه شده و کاربردهای آن توضیح داده شده است.